

و بقاء مالکیت شخص بستگی دارد .

ماده نهم - درمواردیکه قانون مقرر میدارد ، هر فردی از افراد جامعه موظف است بمنظور حفظ آزادی و برابری و مالکیت نفس خود را در اختیار وطن قرار دهد .

مبحث سوم

هیئت قانون گذاری

قانون اساسی ۱۷۹۵ از انتخابات عمومی و مستقیم که در قانون اساسی ۱۷۹۳ پیش بینی شده بود عدول کرده انتخابات دودرجه و مأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار نمود . توضیح آنکه برطبق ماده ۸ از فصل دوم قانون اساسی ۱۷۹۵ کسانی که در فرانسه متولد شده و متیم آن کشور بودند بشرط داشتن لااقل ۲۱ سال عمر و پرداخت مالیات مستقیم از حقوق سیاسی بهره مند میگردیدند . اشخاصیکه واجد شرایط مندرج بالا بودند با یکسال اقامت در حوزه انتخاباتیه می توانستند در مجامع اولیه (۱) شرکت کنند . در هر بخش برای حداقل ۴۵۰ و حداکثر ۹۰۰ نفر رأی دهنده يك مجمع اولیه تشکیل میشد بهر حال هر بخشی میبایست لااقل يك مجمع اولیه داشته باشد و لو اینکه شماره رأی دهندگان آن کمتر از ۴۵۰ نفر باشد . هر يك از مجامع اولیه از بین رأی دهندگان برای مخفی برای مدت یکسال يك منتخب برای هر دوست نفر رأی دهنده اعم از حاضر یا غائب تعیین میکرد .

برای شرکت در مجامع درجه دوم (۲) اشخاص علاوه بر ۲۵ سال عمر بایستی مالک یا مستأجر زمین یا خانه مسکونی باشند . مجامع درجه دوم سالی يك مرتبه در روز مقرر در ماده ۳۶ قانون اساسی منعقد گردیده و در ظرف مدت ده روز برای مخفی و با کثرت آراء نمایندگان هیئت قانون گذاری و مستشاران دیوان کشور و اعضاء هیئت منصفه و قضات و پاره مستخدمین دولتی را انتخاب میکردند . قانون اساسی ۱۷۹۵ هیئت قانون گذاری را به دومجلس تقسیم کرده بود که یکی شورای شیوخ و دیگری مجلس پانصد نفری نامیده میشد . شورای شیوخ دارای ۲۵۰ نفر عضو بود . برای انتخاب شدن به عضویت شورای مزبور داشتن لااقل ۴۰ سال عمر -

تأهل و ۱۵ سال اقامت (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) در فرانسه ضروری بود برای انتخاب شدن بنمایندگی شورای پانصد نفری . ۳۰ سال عمر شش سال اقامت در خاک

فرانسه (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) لازم بود ولی شرط سن (۳۰ سال) قبل از سال هفتم جمهوری (۱۷۹۹) قابل اجرا نبوده و تا آن تاریخ برای عضویت مجلس مزبور داشتن لا اقل ۲۵ سال عمر کافی بود.

مواد ۴۵ الی ۷۲ قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای مقرراتی بود که اهم آن بشرح زیر است :

بهیچوجه و عنوان هیئت قانونگذاری مجاز نبود هیچیک از وظایف خود را یا يك یا چند نفر از اعضا، خود یا اشخاص خارج واگذار کند (ماده ۴۵).
مجالس مقننه حق نداشتند وظایف قوه مجریه و قوه قضائیه را شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود انجام دهند (ماده ۴۶).

نمایندگی هیئت قانونگذاری با مشاغل عمومی دیگر مانع الجمع بود (ماده ۴۷).
هیئت قانونگذاری هر ده سال یکبار با در نظر گرفتن شماره جمعیت هر یک از ولایات عده نمایندگان آنها را در مجلس شیوخ و مجلس ۵۰۰ نفری معین مینمود و این تصمیم مجالس تاده سال دیگر قابل تجدید نظر نبود (مادتين ۵۰ و ۵۱).
موکلین مجاز نبودند بنمایندگان خود در هیئت قانونگذاری دستوراتی داده و آنها را ملزم به انجام آن دستورات بکنند (ماده ۵۲).

نمایندگان هر يك از مجلسین برای مدت سه سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب يك نكث آنها تجدید میشد (ماده ۵۳).
هیچکس نمیتوانست بیشتر از شش سال متوالی به عضویت هیئت قانونگذاری انتخاب شود (ماده ۵۵).

جلسات شورای شیوخ و شورای ۵۰۰ نفری دائمی بود ولی تعطیل جلسات مجلسین مانعی نداشت (ماده ۵۹).

رئیس و منشی مجلس شیوخ و مجلس پانصد نفری برای یکماه انتخاب میشدند (ماده ۶۱).

جلسات مجالس اصولاً علنی بود ولی هر يك از مجلسین بنا به تقاضای صد نفر از اعضا خود میتواند جلسات محرمانه تشکیل دهد. مذاکرات در جلسه محرمانه بعمل میآید ولی تصمیم میبایستی در جلسه علنی گرفته شود (مواد ۶۴ و ۶۶).

هیچیک از مجالس مجاز نبود کمیسیونهای دائمی داشته باشد و فقط در صورت لزوم میتواند کمیسیون مخصوصی برای مطالعه در موضوع معینی تشکیل دهد و کمیسیون مخصوص پس از بحث در موضوع مورد نظر و تهیه گزارش و تقدیم آن به مجلس مربوطه منحل میشود (ماده ۶۷).

اعضای هیئت قانونگذاری از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند که میزان سالیانه آن بالغ بر بهای سی هزار کیلو گرم گندم بود (ماده ۶۸).

هیئت مدیره (۱) مجاز نبود در دایره‌ای که مرکز آن در محل انعقاد مجالس واقع گردیده و شعاع آن بالغ بر شصت کیلومتر بود نیروی نظامی متمرکز سازد یا عبور دهد مگر به تقاضا یا با اجازه هیئت قانونگذاری (ماده ۶۹).

برای تشکیل جلسات شورای شیوخ و اتخاذ تصمیمات لازم حضور لا اقل نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان آن شورا ضروری بود در صورتیکه برای تشکیل جلسات شورای ۵۰۰ نفری و شروع مذاکرات و دادن رأی حضور لا اقل ۲۰۰ نفر لازم بود. شورای شیوخ فقط مجاز بود طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را بدون جرح و تعدیل تصویب یا رد نماید. اصولاً شورای شیوخ مانند شورای ۵۰۰ نفری طرحهای قانونی را سه مرتبه مورد شور قرار میداد. تصمیم شورای ۵۰۰ نفری مبنی بر فوریت طرح برای شورای شیوخ الزامی نبود بدین معنی که شورای مزبور میتواند فوریت طرح مصوب شورای ۵۰۰ نفری را قبول یا رد کند. چنانچه شورای شیوخ طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را رد میکرد در این صورت شورای اخیرالذکر فقط بعد از یکسال میتواند همان طرح را برای شور مجدد و تصویب به شورای شیوخ ارسال دارد معذک شورای ۵۰۰ نفری مختار بود در طرحی که از طرف مجلس شیوخ رد شده بود تغییراتی بعمل آورده آنرا بدون رعایت مدت یکسال برای تصویب به مجلس شیوخ بفرستد. تغییر محل انعقاد جلسات مجالس از وظائف اختصاصی مجلس شیوخ بوده و تصمیم شورای مزبور در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا بود.

مبحث چهارم

قوه مجریه

قوه مجریه را يك هیئت پنج نفری موسوم به هیئت مدیره اعمال می‌کرد. انتخاب اعضای هیئت مدیره با هیئت قانون گذاری بود بدین ترتیب که شورائی بانصدنفری برای مخفی و با کثرت مطلق آراء پنجاه نفر را که واجد شرایط قانونی بودند انتخاب و به شورای شیوخ معرفی می‌کرد و شورای مزبور از بین آنها پنج نفر را به عضویت هیئت مدیره تعیین می‌کرد. برای انتخاب شدن به عضویت هیئت مدیره داشتن ۴ سال عمر ضروری بود. مدیران از بین اشخاصی انتخاب می‌شدند که سابقه نمایندگی هیئت قانون گذاری را داشته یا وزیر بودند و این شرط فقط از سال نهم جمهوری (۱۸۰۱) قابل اجرا بود. مدت مأموریت مدیران پنج سال بود و هر سال انتخاب یکی از آنها تجدید میشد ولی در چهار سال اولی (از ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹) هر سال یکی مدیران بحکم قرعه خارج و جانشین او بر طبق مقررات مذکور در فوق انتخاب میشد. هیچیک از مدیران خارج شده نمی‌توانست به عضویت هیئت مدیره انتخاب شود مگر پس از انقضای مدت پنج سال. در صورت فوت یا استعفاء یکی از مدیران جانشین او در مدت ده روز انتخاب میشد. مدیران هر يك متناوباً سه ماه ریاست هیئت مدیره را عهده‌دار بودند. برای رسمیت جلسات هیئت مدیره حضور سه نفر مدیر ضروری بود. هیئت مدیره مسئول امنیت داخلی و خارجی فرانسه بود. هیئت مدیره بمنظور اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری ابلاغیه (۱) صادر می‌کرد. حق پیشنهاد طرح‌های قانونی اختصاص به هیئت قانون گذاری داشته و مدیران از اعمال این حق ممنوع بودند و اما برای اینکه رعایت این اصل لطمه بامور دولتی وارد نسازد مدیران در انجام وظائف خود عاجز نمانند قانون اساسی بآنها اجازه میداد که توجه هیئت تقنینیه را به لزوم تصویب قانون جدیدی یا حذف و یا تکمیل یکی از قوانین مصوبه جلب نمایند. قوای نظامی فرانسه در اختیار هیئت مدیره بود ولی مدیران در دوره

اشتغال و همچنین دو سال بعد از انقضای مأموریت خود مجاز نبودند فرماندهی نیروی مسلح فرانسه را عهده‌دار شوند. انتصاب فرماندهان ارتش با هیئت مدیره بود. نظارت در اجرای قوانین نیز بعهدہ هیئت مدیره بود. هیئت مدیره وزراء را نصب و عزل مینمود. عده وزراء و وظائف آنها را هیئت قانون گذاری معین میکرد. شماره وزراء نمیتوانست کمتر از شش و بیشتر از هشت نفر باشد. مدیران مجاز نبودند وزراء را از بین اقوام نسبی و سببی خود تعیین کنند. وزراء شورائی تشکیل میدادند و مقام نخست‌وزیری وجود نداشت. وزراء مسئول اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری و اعلامیه‌های هیئت مدیره بودند. هیچیک از مدیران مجاز نبود از فرانسه خارج شود مگر دو سال بعد از انقضای دوره عضویت خود در هیئت مدیره به‌علاوه هیچیک از مدیران حق نداشت بیشتر از پنج روز از مقر هیئت مدیره خارج شود و نیز مدیران نمی‌توانستند به محلی که فاصله آن تا جایگاه هیئت مدیره از ۷ کیلومتر تجاوز میکرد نقل مکان کنند مگر با اجازه هیئت قانون گذاری. مقر هیئت مدیره در همان محلی بود که جلسات هیئت قانون گذاری تشکیل میشد. حقوق سالیانه هر یک از مدیران بالغ بر بهای پانصد هزار کیلو گرام گندم بود در صورتیکه مقرری سالیانه نمایندگان مجلسین برابر قیمت سی هزار کیلو گرم گندم بود.

مبحث پنجم

نور قضائیه

هیئت قانون گذاری و همچنین مدیران و وزراء مجاز نبودند در امور قضائی دخالت کنند. دادرسان نیز حق نداشتند در اعمال قوه مقننه و قوه مجریه شریک و سهیم باشند. دادرسی مجانی بود. عزل دادرسان بدون مجازات و اثبات تقصیر جایز نبود. جلسات دادگاهها علنی بود مگر در مواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ منافع ملی و جلوگیری از انتشارات منافی عصمت ضروری بود. احکام دادگاهها بایستی مدلل و متکی به قوانین بوده و در جلسه علنی محکمه قرائت شود. قضات را مردم انتخاب میکردند. قانون اساسی به اصحاب دعوی حق میداد که اختلافات حقوقی خود را به

داوری ارجاع کنند. احکام داوران قابل اعتراض نبود مگر در مواردیکه طرفه طبق قرارداد داورى این حق را برای خود قائل میشدند.

در هر بخشى يك دادگاه بخش بايك دادرس (۱) و يك یا چند معاون (۲) بود. دادرسان بخش و معاونین آنها برای دو سال انتخاب میشدند. تجدیدانتخاب آنها برای يك یا چند دوره دیگر مانع قانونی نداشت. بموجب قانون اساسی ۱۹۵۰ علاوه بر دادگاه بخش در هر يك از شهرستانها يك دادگاه حقوقی (۳) و در شهرهای بزرگ دادگاه تجارت دائر بود. هر يك از محاکم حقوقی دارای لااقل، عضو اصلی و سه عضو علی البدل بود. محاکم حقوقی به احکام صادره از طرف داوران و دادگاههای بخش و محاکم تجارت استینافاً رسیدگی میکردند. دادگاه حقوقی به شعبات تقسیم میشد. رؤسای شعب را دادرسان دادگاه حقوقی از بین خود انتخاب میکردند. احکام صادره از دادگاههای حقوقی را از دیگرترین دادگاههای حقوقی استیناف رسیدگی می نمودند.

در هر ولایتی حداقل سه و حداکثر شش دادگاه جنحه (۴) دائر بود. دادگاه جنحه را یک رئیس دو قاضی بخش یا معاونین آنها تشکیل میدادند. رئیس دادگاه جنحه از بین اعضای دادگاه حقوقی برای مدت دو سال انتخاب میشد. وظائف دادستان را در دادگاه جنحه نماینده قوه مجریه (۵) انجام میداد. احکام دادگاه جنحه استیناف در دادگاه جنائی (۶) رسیدگی میشد. در هر ولایتی يك دادگاه جنائی وجود داشت. دادرسان دادگاه جنائی از بین قضات محکمه حقوقی انتخاب میشدند. در محاکم جنائی رسیدگی با اتهامات جنائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. دادستان محاکم جنائی و دایران را هیئت مدیره انتخاب میکرد.

در رأس تشکیلات قضائی دیوان کشور (۷) قرار گرفته بود. عده مستشاران

۱ - Juge de paix	۲ - assesseur
۳ - Tribunal civil	۴ - Tribunal correctionnel
۵ - Commissaire du pouvoir exécutif	
۶ - Tribunal criminel	
۷ - Tribunal de cassation	

دیوان کشور نبایستی از سه چهارم مجموع ولایات فرانسه تجاوز کند. مستشاران دیوان کشور برای مدت پنج سال انتخاب میشوند و هر سال انتخاب يك پنجم آنها تجدید میشود. انتخاب مستشاران مزبور در مجامع ولایتی بعمل میآمد و تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت. هر يك از مستشاران يك قایم مقام داشت که او نیز در مجامع ولایتی برای پنج سال انتخاب میشود. دادستان دیوان کشور و معاونین او را هیئت مدیره نصب و عزل مینمود. دیوان کشور علاوه بر رسیدگی تمیزی به احکام نهائی محاکم به تقاضای احاله دعاوی از محکمه‌ای به محکمه دیگر نیز رسیدگی میکرد و همچنین وظائف محکمه عالی انتظامی را انجام میداد. بموجب ماده ۲۵۶ قانون اساسی ۱۷۹۵ چنانچه دیوان کشور حکم نهائی یکی از محاکم را نقض کرده و پرونده امر یکبار دیگر مورد رسیدگی ماهوی قرار میگرفت و اصحاب دعوی حکم جدید را نیز مورد اعتراض قرار میدادند در این صورت موضوع به هیئت قانون گذاری احاله میشد و هیئت مزبور در موضوع مورد اختلاف قانونی وضع نموده سپس پرونده امر را به دیوان کشور ارجاع مینمود نظر هیئت قانون گذاری که بصورت قانون در آمده بود برای دیوان کشور الزام آورده بوده و دیوان مزبور وظیفه داشت با در نظر گرفتن رأی هیئت قانون گذاری حکم جدیدی صادر کند.

برای محاکمه نمایندگان شورای بانصد نفری و شورای شیوخ و اعضای هیئت مدیره يك دیوان عالی دادگستری (۱) دائر بود. دادگاه مزبور را پنج نفر قاضی چند نفر عضو هیئت منصفه و دو نفر مدعی ملی (۲) تشکیل میدادند. دیوان عالی دادگستری طبق فرمان هیئت قانون گذاری منعقد میگردد. پس از صدور فرمان هیئت قانون گذاری مبنی بر تشکیل دیوان عالی دادگستری دیوان کشور بسا حضور تمام مستشاران بحکم قرعه بانزده نفر را از بین اعضای خود تعیین میکرد و در همان جلسه از بین عده مزبور پنج نفر برای مخفی و با کثرت آراء، عضویت دیوان عالی دادگستری انتخاب میشوند. اعضای دادگاه مزبور از بین خود يك نفر را بریاست

تعیین می نمودند. اعضای هیئت منصفه در مجامع ولایتی برای مدت یکسال انتخاب میشدند

مبحث ششم

تجدید نظر در قانون اساسی

تقاضای تجدید نظر در قانون اساسی از طرف شورای شیوخ بعمل میامد و شورای پانصد نفری آنرا قبول یارد میکرد. چنانچه در مدت نه سال سه بار و هر دفعه بفاصله سه سال مجلس شیوخ تجدید نظر در قانون اساسی را تقاضا مینمود و شورای پانصد نفری با این تقاضا موافقت میکرد و مجلس خاصی موسوم به مجلس تجدید نظر (۱) جهت تغییر قانون اساسی تشکیل میشد. اعضای مجلس تجدید نظر را ولایات از قرار دو نماینده از هر ولایت انتخاب میکردند. طریقه انتخاب اعضای مجلس تجدید نظر همان طریقه ای بود که قانون اساسی برای انتخاب نمایندگان شورای شیوخ و شورای پانصد نفری منظور میداشت. شرایط انتخاب شدن به عضویت مجلس تجدید نظر نیز همان شرایط بود که قانوناً برای عضویت شورای پانصد نفری مقرر گردیده بود. نمایندگان شورای پانصد نفری و شورای شیوخ از انتخاب شدن به عضویت مجلس تجدید نظر در قانون اساسی ممنوع بودند. مجلس تجدید نظر در ظرف مدت سه ماه (حداکثر) طرح مواد مورد تجدید نظر را تهیه و برای تصویب به مجامع اولیه ارجاع مینمود.

فصل پنجم

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹

(سال هشتم جمهوری)

در ظرف مدت دو سال از تاریخ تصویب و اجرای قانون اساسی ۱۷۹۵ نمایندگان شورای شیوخ و شورای پانصد نفری با هیئت مدیره تشریک مساعی و همکاری صمیمانه می‌کردند و هیچگونه اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین آنها پیش آمد نکرده بود و علت این همکاری و تشریک مساعی این بود که قسمت اعظم نمایندگان هیئت قانونگذاری و اعضای هیئت مدیره پابند اصول مندرج در قانون اساسی ۱۷۹۵ بوده و خود را ملزم با اجرای اصول مزبور میدانستند. و اما در سال ۱۷۹۷ (سال پنجم حکومت جمهوری) که انتخاب یک نلث نمایندگان مجلسین تجدید میشد عده‌ای از مخالفین سرسخت هیئت مدیره به عضویت شورای پانصد نفری و شورای شیوخ انتخاب شدند که نتیجتاً سیمای سیاسی مجالس تغییر کرده و اکثریت بدست مخالفین دولت افتاد و از آن تاریخ به بعد نمایندگان هیئت قانونگذاری و خاصه شورای پانصد نفری به مخالفت و مبارزه با مدیران مبادرت نمودند و این مبارزه با اندازه‌ای شدید بود که یکی از نمایندگان شورای پانصد نفری موسوم به ویلوت (۱) در جلسه مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۷ پیشنهاد کرد که مجلس قرار بازداشت سه نفر از مدیران موسوم به بارراس (۲) روبل (۳) و لاروی بر له پو (۴) را صادر کند. این پیشنهاد یک هیجان و عصبانیت بی نظیری در هیئت مدیره ایجاد نمود که در نتیجه مدیران در ۴ سپتامبر بوسیله نیروی نظامی شورای پانصد نفری و شورای شیوخ را مورد محاصره قرار داده و دستود بازداشت نوزده نفر از مخالفین فعال دولت از جمله ویلوت را صادر کردند سپس نمایندگان مجالس را وادار نمودند

که چند لایحه پیشنهادی دولت را که تماماً جنبه انقلابی داشته و ناقض قانون اساسی بود تصویب کنند. هیئت مدیره باین اقدامات غیرقانونی اکتفا نکرده نمایندگان را وادار نمود که قرار تعقیب پنجاه و سه نفر از اعضای شورای بانصدنفری و شورای شیوخ و حتی دو نفر از مدیران موسوم به کارنو (۱) و بارتلمی (۲) را که با اقدامات و عملیات غیرقانونی سه مدیر دیگر مخالفت میکردند صادر نمایند بعلاوه هیئت مدیره بمنظور طرد مخالفین خود از هیئت قانون گذاری انتخابات ۳۹ ولایت را کان لم یکن و بلا اثر اعلام نمود. انتخابات ۱۷۹۸ (سال ششم جمهوری) بنفع دولت تمام شد و هیئت مدیره در هر يك از شوراها اکثریت موافق دولت را حفظ نمود و اما در انتخابات ۱۷۹۹ (سال هفتم جمهوری) یکبار دیگر مخالفین دولت توفیق حاصل نمودند و باتاکید اکثریتی که در هر يك از مجالس بدست آورده بودند مدیرانی را که مسئول کودتای (۳) ۴ سپتامبر ۱۷۹۷ بودند از کار برکنار و بجای آنها خواخوانان خود را تعیین نمودند این عمل هیئت قانون گذاری مانند کودتای ۴ سپتامبر یک اقدام انقلابی بوده و بامقررات قانون اساسی ۱۷۹۵ مابینت داشت.

نظر به جریانات مزبور و احتمال بروز جنگ داخلی بوناپارات (۴) ژنرال فاتح و جوان فرانسه که در آن موقع فرماندهی نیروی اعزامی فرانسه در مصر را داشت سواحل رود نیل را ترك گفته در ۹ اکتبر ۱۷۹۹ در بندر فرژوس (۵) واقع در شمال غربی بندر نظامی تولون (۶) پیاده شده و از آنجا عازم پاریس گردید و مردم فرانسه که از ظلم و تعدی و کشت و کشتار يك مشت ماجراجو بجان آمده بودند با آشوب باز حکومت مطلق العنان او را قبول نمودند و بدون هیچ قید و شرطی بدولت او تن در دادند و او امرش را گردن نهادند. برای تشریح اوضاع ناروای فرانسه آن زمان و توضیح علل و موجبات سقوط هیئت مدیره و واگذاری حکومت نامحدود فرانسه به ناپلئون بوناپارت استناد به قضاوت تییر (۷) مورخ نامی فرانسه کافی بنظر میرسد.

coup d'Etat - ۳

Toulon - ۶

Barthélemy - ۲

Fréjus - ۵

Carnot - ۱

Bonaparte - ۴

Thiers - ۷

مورخ نامبرده در جلد اول صفحه ۲ - ۵ تألیف خود موسوم به تاریخ کنسولا و امپراطوری (۱) راجع به سقوط هیئت مدیره و استقرار حکومت ناپلئون بشرح زیر اظهار عقیده میکند :

« آنانکه پس از طوفان کنوانسیون این جمهوری مخصوص را بوجود آورده بودند با استحکام و تعالی عمل خود یقین نداشتند اما پس از رژیم خونینی که طی کرده بودند یافتن طریقی دیگر و انجام عملی بهتر برای آنها دشوار بود. در واقع مجال بود که آنها بتوانند بفکر بوردن‌ها (۲) بیافتند چه احساسات کلیه مردم بر ضد آنها بود و همچنین نمیتوانستند خود را در دامان سر کرده‌ای نامدار ببینند از آنجا که در آن هنگام هیچیک از فرماندهان ما آنقدر افتخار بدست نیاورده بود که مردم را جذب و تسخیر نماید بعلاوه هنوز تجربه تخیلات و تصورات را از بین نبرده بود تازه از چنگال کمیته نجات عمومی خلاصی یافته بودند و فقط جمهوری خون‌آلود ۱۷۹۳ م کب از يك مجلس واحد که تمام قوای ثلاثه را در اختیار داشت مورد محك قرار گرفته بود فقط يك کار باقی بود که عبارت باشد از يك جمهوری اعتدالی که در آن قوا عاقلانه تقسیم شده و اداره امور آن بدست مردمان تازه‌ای سپرده شود که نسبت بتمام اجحافاتیکه کشور فرانسه را بوحشت انداخته بود بیگانه باشند .

آزمایش جمهوری جدید چهار سال بطول انجامید (از ۱۳ بروم سال چهارم تا ۱۸ بروم سال هشتم) و با صداقت و حسن نیت از طرف کسانیکه اغلب درستکار و دارای نیت عالییه بودند عمل گردید . بعضی افراد تندخلق یا کسانیکه در درستی آنها شك میرفت از قبیل بارداس توانسته بودند نام خود را داخل صورت اسامی دولتهائی بنمایند که در این چهار سال هر يك پس از دیگری سر کار آمدند، ولی روبل لادوی یرله‌پو ، لوتورنود (۳) روزه‌دو کوس (۴) اشخاص درستکار و بعضی از آنها بسیار لایق و نفر آخر آنان سییس مرد فوق‌العاده بلند مرتبه‌ای بود . معیناً

Histoire du Consulat et de l' Empire - ۱

Le Tourneur - ۳ Bourbons - ۲

Roger - Ducos - ۴

جمهوری دیرکنوار بزودی صورت اسفناکی بخود گرفت که در آن جنبه هرج و مرج به بیرحمی میچربید. مردم را اعدام نمیکردند ولی تبعید مینمودند کسی مجبور نبود اسکناسهای جدید را بزور تهدید بهرگ قبول کند ولی پرداختی هم بکسی نمیشد. سربازان بدون سلاح و نان بجای آنکه فاتح باشند مغلوب میشدند و دوره نارضایتی غیرقابل تحملی جانشین دوره وحشت و ترور شده بود. از آنجا که ضعف نیزگاهی خشم و غضب از خود ظاهر میسازد این جمهوری اعتدالی که منظور آن ملایمت بود دو تصمیم جابرانه گرفت یکی قرضه تصاعدی اجباری و دیگری قانون گرو گیری (۱) و تصمیم اخیر با آنکه جنبه خونین نداشت یکی از وقیح ترین توهین های زائیده افکار بیرحمانه احزاب بود.

جای تعجب نیست فرانسه که در سال ۱۷۹۹ نمیشد در آن اسم بوربن هار ابرد پس از دیرکتوازی دیگر بجمهوری عقیده نداشت و خود را در آغوش آن فرمانده جوان فاتح مصر و ایتالیا انداخت که بیگانه نسبت به احزاب بوده و بهمه آنها با چشم بی اعتنائی می نگریست و با اراده قوی در امور کشوری و نظامی متساویا ابراز لیاقت نموده و جاه طلبی که از خود ظاهر نمود نه فقط ایجاد ترس و وحشت نکرد بلکه با کمال امیدواری مورد استقبال واقع گردید. برای بدست گرفتن دولت فتوحات و افتخاراتی کمتر از آنچه او بدست آورده بود کافی بود زیرا چندی قبل از او ژنرال ژوبر (۲) را به نوبی (۳) اعزام داشتند تا بتواند عناوینی را که نداشت بدست آورده و انقلابی را که در تاریخ ۱۸ برومر بوقوع پیوسته بود برپاسازد. آن بیچاره در نوبی مغلوب و مقتول گردید ولی بوناپارت جوان غالب و خوشبخت بطور معجزه آسایی از خطرات جنگ و دریا نجات یافته و از مصر بفرانسه برگشت و در اولین دفعه ای که ظاهر گردید هیئت مدیره درهم شکست. تمام احزاب باستقبال او رفتند و از او تقاضای برقراری امنیت و فتح و صلح را نمودند معینا قدرت یکنفر ممکن نبود در یک روز جانشین آن دوره عوام فریبی شود که ظالم و مظلوم همه بنوبه خود از اقتدار بهره مند

شده بودند. ظواهر میبایستی محفوظ بماند و برای آنکه کشور خسته و کسل فرانسه مجدداً مقتدر گردد اول دولت محلل فاتح ترمیم کننده و نیمه جمهوری لازم بود خلاصه اینکه حکومت کنسولا قبل از رسیدن به امپراطوری ضرورت داشت.»

و اما ناپلئون به محض ورود به پاریس با لوسین بوناپارات (۱) رئیس شورای پانصد نفری، لمرسیه (۲) رئیس شورای شیوخ و سییس عضو هیئت مدیره و تالیران (۳) و رجال ناراضی دیگر تماس گرفته و به کمک ویاری آنها و سائل کودتای ۱۸ بروم سال هشتم (۸ نوامبر ۱۷۹۹) را فراهم ساخت و پس از آن اعضای شورای شیوخ روز ۹ نوامبر تشکیل جلسه داده و در این جلسه پس از استماع اظهارات یکی از نمایندگان درباره احتمال ورود اعضای حزب تندرو ژاکوبین به پاریس و امکان تجدید ترور قراری مبنی بر انتقال هیئت قانونگذاری به شهر سن کلو (۴) واقع در حومه پاریس صادر و فرماندهی نظامی ناحیه هفدهم را که سن کلو نیز جزء آن بود به ناپلئون بوناپارت تفویض نمودند. بر طبق نقشه قبلی جلسات شورای پانصد نفری و شورای شیوخ در سن کلو تشکیل شد و ناپلئون با یک عده نظامی وارد طالار جلسه شورای پانصد نفری شده و نمایندگان را بوسیله سربازان خود از جلسه بیرون کرد و همان روز شورای پانصد نفری تحت ریاست لوسین بوناپارت با حضور فقط یک عشر اعضای خود تشکیل جلسه داده انحلال هیئت مدیره را اعلام و هیئت دیگری بنام کمیسیون اجرائیه کنسولی (۵) تشکیل داد و ناپلئون بوناپارات و سییس و روزه دو کوس را بسمت کنسول تعیین نمود. بعلاوه شورای پانصد نفری که بصورت شورای پنجاه نفری در آمده بود هیئت تقنینیه را تا ۱۹ فوریه ۱۸۰۰ تعطیل کرده و برای هر یک از مجالس یک کمیسیون موقت انتخاب کرد که در غیاب شورای پانصد نفری و شورای شیوخ قوه قانونگذاری را اعمال و نواقص قانون اساسی ۱۷۹۵ را رفع کنند. تصمیمات شورای پانصد نفری مبنی بر انحلال هیئت مدیره و تشکیل کمیسیون اجرائیه کنسولی و تعطیل هیئت تقنینیه و تأسیس کمیسیونهای موقت مورد موافقت مجلس شیوخ واقع گردیده

Lucien Bonaparte - ۱ Lemercier - ۲ Taleyrand - ۳

Saint - Cloud - ۴ Commission exécutive consulaire - ۵

و هر يك از کمیسیونهای مزبور يك کمیسیون فرعی تشکیل داد که موضوع تکمیل قانون اساسی ۱۷۹۵ را مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را به تصویب کمیسیون مربوطه برساند.

کمیسیونهای فرعی طرحی را که سپس تهیه کرده بود مورد مطالعه قرار داده آنرا با نظر موافق برای تصویب به کمیسیونهای اصلی مجلسین ارسال داشتند و کمیسیونهای مزبور همان طرح را با پاره‌اصلاحات جزئی تصویب نمودند و اما نظر بعدم موافقت ناپلئون با طرح مصوب کمیسیونهای مجلسین يك کمیته چند نفری تشکیل یافت که مطابق نقشه ناپلئون طرح مصوب کمیسیونهای مجلس شیوخ و شورای پانصد نفری را مورد تجدید نظر قرار دهد. طرح تنظیمی کمیته مزبور به ناپلئون اطلاع داده شده و مورد قبول وی واقع گردید سپس بجای اینکه طرح مورد قبول ناپلئون به تصویب کمیسیونهای مجالس برسد بدستور نامبرده در شب ۱۳ دسامبر اعضای کمیسیونهای مزبور احضار و طرح قانون اساسی جدید را امضا نمودند.

بموجب ماده ۹۵ طرح جدید طرح مزبور بایستی بآراء عمومی ارجاع و پس از تصویب در فراندوم بموقع اجرا گذاشته شود. ارجاع به آراء عمومی تازگی نداشت زیرا چنانکه در بالا اشاره شد قوانین اساسی ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ نیز در فراندوم به تصویب رسیده بود ولی چون نحوه ارجاع بآراء عمومی در طرح جدید قانون اساسی پیش بینی نشده بود بنابراین در ۱۴ دسامبر ۱۷۹۹ قانونی وضع گردید که بموجب آن در هر ناحیه دفتر مخصوصی بازو از مردم درخواست شد که در ظرف ۳ روز از تاریخ وصول طرح جدید موافقت یا مخالفت خود را با آن طرح اعلام کنند. و اما قبل از اینکه فراندوم انجام یافته و طرح پیشنهادی ناپلئون به تصویب ملت فرانسه برسد قانون اساسی جدید بموقع اجرا گذاشته شد و سه نفر کنسول شورای دولتی را تشکیل داده و وزراء جدید و سی و يك نفر سناتور را تعیین نمودند و روز بعد سناتورهای انتصابی بقیه بیست و نه نفر سناتور را انتخاب کردند سپس مجلس سنا که بترتیب مذکور در فوق تشکیل شده

د صد نفر عضو مجلس تریبوناً (۱) و سیصد نفر عضو هیئت تقنینیه (۲) را تعیین کرد. کمیسیونهای شورای پانصد نفری و شورای شیوخ پس از تشکیل شورای دولتی و سنا تریبوناً و هیئت تقنینیه انحلال خود را اعلام نمودند و در ۷ فوریه ۱۸۰۰ نتیجه آراء عمومی بشرح زیر اعلام گردید:

از ۳۰۱۲۵۶۹ رأی دهنده ۳۰۰۹۴۴۵ نفر قانون اساسی جدید را قبول و بقیه ای دهندگان آنرا رد کرده بودند.

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹ مشتمل بر ۷ فصل و ۹۵ ماده است که ۱۴ ماده ای آن مربوط به حقوق سیاسی افراد بوده و بقیه ۸۱ ماده شامل مجالس مقننه (مواد ۱۴ الی ۳۸) حکومت (مواد ۳۹ تا ۵۹) محاکم (مواد ۶۰ تا ۷۵) و مقررات کلی (مواد ۷۶ الی آخر) میباشد.

مبحث دوم

حقوق سیاسی افراد

مواد مربوط به حقوق سیاسی افراد چنین مقرر میداشت:

هر فردی که در خاک فرانسه متولد شده و پس از رسیدن به سن ۲۱ سال کامل هم خود را در محل تولد خویش به ثبت رسانده و یکسال در فرانسه سکونت میکرد به فرانسه شناخته میشود. چنانچه يك تبعه بیگانه پس از رسیدن به سن ۲۱ سال تمام نسیم خود را مبنی بر سکونت در خاک فرانسه بمقامات مربوطه اعلام و ده سال متوالی در فرانسه اقامت میکرد تبعه فرانسه شناخته میشود. بموجب ماده ۵ قانون اساسی ۱۷۹۰ اشخاص ذیل از اعمال حقوق حاصله از تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات محروم بودند:

۱- ورشکستگان به تفصیر و وراث آنها ۲- اشخاصیکه نوکری میکردند
۳- کسانیکه بموجب احکام محاکم از تصرف در اموال خود ممنوع یا تحت تعقیب

جزائی بودند ۴- اشخاصیکه از حضور در يك دادگاه جنائی خود داری میکردند برای استفاده از مزایای تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات یکسال اقامت در حوزه انتخابیه ضروری بود. ساکنین هر يك از حوزه‌ها از بین خود يك عده را که صلاحیت اداره امور ملی را داشتند انتخاب میکردند. شماره انتخاب شوندگان نباید از عشر مجموع اشخاصیکه حق رأی داشتند تجاوز کند. اشخاصی که در يك بخش انتخاب میشدند لیستی تشکیل میدادند که از بین آنها مامورین بخش تعیین میشدند. کسانی که جزء لیستهای بخش يك ولایت بودند از بین خود عده‌ای که بالغ بر عشر انتخاب کنندگان بود تعیین میکردند و این اشخاص جزء لیست ولایتی منظور گردیده و از بین آنها مامورین ولایتی تعیین می شدند و بالاخره افرادی که جزء لیستهای ولایتی بودند از میان خود يك عده را که بالغ بر يك دهه رأی دهندگان بود انتخاب میکردند. همین اشخاص يك لیست ثابت ملی تشکیل میدادند و از بین آنها مامورین ملی تعیین میشدند. اشخاصیکه جزء صورتهای بخش ولایتی و ملی بودند هر سه سال یکبار در لیستهای مربوطه تجدید نظر بعمل آورده و در گذشتگان و اشخاصی را که در ظرف سه سال گذشته بعلت ترك تا بعیت فرانسه نوکری و رشکستگی و علل دیگر از اعمال حقوق سیاسی محروم گردیده بودند از لیستهای مورد تجدید نظر خارج و بجای آنها اشخاص دیگری را تعیین میکردند. علاوه هر سه سال یکبار رأی دهندگان مجاز بودند به تشخیص و صلاحیت خود و با کثرت مطلق آراء، پاره‌ای از افراد جزء لیستهای سه گانه بخش ولایتی و ملی را از صورتهای مزبور حذف نمایند و بجای آنها اشخاص دیگر را انتخاب کرده و جزء صورتهای سه گانه قرار دهند.

بحث سوم

سنای نگهبان (۱)

سنای نگهبان دارای هشتاد نفر عضو بود که مادام العمر انتخاب شده و قابل عزل

بودند. در بدو امر مجلس سنا دارای شصت نفر عضو بود و قرار بود در مدت ده سال از تاریخ تصویب قانون اساسی ۱۷۹۹ سالیانه دو نفر بعداً سناتورها اضافه شود تا در سال ۱۸۰۹ شماره آنها به هشتاد نفر برسد. انتخاب سناتورها بترتیب ذیل بعمل می‌آمد:

هیئت قانونگذاری و مجلس تریبونو کنسول اول هر يك از آنها يك نفر را و مجلس سنا معرفی می‌کردند و مجلس مزبور از بین آنان يك نفر سناتور تعیین می‌کرد. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس سنا داشتن چهل سال عمر ضروری بود. کنسول اول پس از انقضای مدت ماموریت خود یا استعفاء از مقام کنسولی استحقاقاً سناتور می‌شد در صورتیکه دو کنسول دیگر فقط پس از پایان دوره کنسولای بمقام سناتوری نایل می‌گردیدند. اهم وظایف مجلس سنا از این قرار بود:

۱- مجلس سنا از بین اشخاصیکه جزء لیست ملی بودند نمایندگان هیئت انونگذاری و تریبونو کنسولها و مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات را انتخاب می‌کرد.

۲- مجلس سنا موظف بود به تشخیص خود یا بنا به تقاضای کنسول اول یا مجلس تریبونو کلیه قوانین و فرامین را که با قانون اساسی مبیانت داشت کان لم یکن بلا اثر اعلام کند.

۳- مجلس سنا کمیسیونی برای رسیدگی بمحاسبات دولت انتخاب می‌کرد. اعضای کمیسیون مزبور که عده آنها بالغ بر هفت نفر بود از بین اشخاصی تعیین می‌گردیدند که جزء لیست ملی بودند. و اما با اینکه سناتورها ما دام العمر تعیین شده قابل عزل و انتصاب بسایر مشاغل دولتی نبودند معذک نتوانستند و وظایف قانونی خود را انجام داده قوانین و فرامین دوره کنسولی را که مبیانت با قانون اساسی داشت اطل کنند.

جلسات مجلس سنا علنی نبود و مذاکرات مجلس مزبور منتشر نمیشد. مقرری سناتورها بالغ بر يك دوازهم حقوق کنسول اول بود.

مبحث چهارم

پارلمان

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی تریبونا و دیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد. مجلس تریبونا دارای صد نفر عضو بود. چنانکه در بالا اشاره شد اعضای مجلس تریبونا را مجلس سنا از بین اشخاصیکه جز، لیست ملی بودند انتخاب میکرد. نمایندگان مجلس تریبونا بایستی لا اقل ۲۵ سال عمر داشته باشند. دوره نمایندگی مجلس مزبور پنج سال بود و هر سال انتخاب یک پنجم نمایندگان تجدید میشد. مجلس تریبونا لوائح پیشنهادی دولت را مورد شور و مناد کرده قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمود سپس سه نفر از اعضای خود را مامور میکرد که در جلسه هیئت قانونگذاری حاضر شده دلایل موافقت یا مخالفت خود را باستحضار نمایندگان آن مجلس برسانند بعلاوه مجلس تریبونا میتواند مصوبات هیئت قانونگذاری و تصمیمات دولت را از لحاظ عدم مطابقت با قانون اساسی به مجلس سنای نگهبان ارجاع و الغاء آنرا درخواست کند و همچنین مجلس تریبونا حق داشت نظر مشورتی خود را جمع به نواقص دستگاه اداری فرانسه و لزوم اصلاح آن را بدولت اطلاع دهد. قبل از تعطیل جلسات خود مجلس تریبونا میتواند یک کمیسیون موقت انتخاب کند که در صورت لزوم نمایندگان را برای تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نماید. جلسات تریبونا علنی بود. مقرری سالیانه نمایندگان مجلس تریبونا ۱۵۰۰۰ فرانک بود.

هیئت قانونگذاری دارای سیصد نفر عضو بود و هر یک از ولایات لا اقل یک نماینده در مجلس مزبور داشتند. برای انتخاب شدن به عضویت هیئت قانونگذاری داشتن لا اقل سی سال عمر ضروری بود. نمایندگان مجلس مورد بحث مانند اعضای مجلس تریبونا برای مدت پنج سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب یک پنجم آنها تجدید میشد. انتخاب نمایندگان برای یک دوره دیگر فقط یکسال بعد از انقضای دوره نمایندگی آنها مجاز بود ولی اعضای مجلس مزبور بدون فاصله یکساله نمیتوانستند به عضویت مجلس تریبونا و مشاغل عمومی تعیین شوند. جلسات هیئت قانونگذاری هر سال در ۲۱ ماه نوامبر تشکیل یافته و چهار ماه طول می کشید و اما در خلال تعطیل هشت ماهه دولت میتواند مجلس مزبور را بطور فوق العاده منعقد نماید. برای

سمیت جلسات هیئت قانونگذاری و اتخاذ تصمیمات حضور دو نلت لاقبل مجموع نمایندگان ضروری بود. مجلس تریبونا و مجلس سنا و شورای دولتی نیز با حضور و نلت اعضاء خویش جلسات خود را تشکیل میدادند.

هیئت قانونگذاری پس از کسب اطلاع از مفاد لوایح مصوب مجلس تریبونا استماع دلایل نمایندگان مجلس مزبور لوایح قانونی را بدون هیچگونه شور و مذاکره برای منقحی و یا کثرت آراء تصویب یارد میکرد و روی همین اصل هیئت انونگذاری را مجلس بی زبان مینامیدند. جلسات هیئت قانونگذاری هم مانند مجلس تریبونا علنی بود ولی به تقاضای دولت یا عده ای از نمایندگان جلسه سری تشکیل میشد. مطابق ماده ۳۴ قانون اساسی عده مستمعین در جلسات هر يك از مجلسین نمی بایستی بیشتر از ۲۰۰ نفر باشد. مقرری سالیانه نمایندگان هیئت انونگذاری بالغ بر ده هزار فرانك بود. کنسول اول لوایح مصوب هیئت قانونگذاری را در ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور ابلاغ و بموقع اجرا می گذاشت ولی در نلال این مدت وی میتواند از ابلاغ و اجرای لوایح مزبور بعلت عدم مطابقت با قانون اساسی خود داری کرده و الغای آن لوایح را از سنای حافظ و حامی قانون ساسی درخواست کند.

مبحث پنجم

قوه مجریه

قوه مجریه در دست سه نفر کنسول بود که برای مدت ده سال تعیین میشدند. انتخاب هر يك از آنها بطور نامحدود قابل تجدید بود. حکومت فرانسه در دست و ناپارت کنسول اول بوده و دو کنسول دیگر وظائف مشورتی داشتند و و ناپارت انون نامجاز بود به نظریات آنها ترتیب اثر نداده به تشخیص و صلاحدید خود امور مهم مملکتی را حل و فصل نماید و تصمیمات خود را بموقع اجرا بگذارد. حقوق کنسول اول پانصد هزار فرانك و حقوقی که به هر يك از دو کنسول دیگر داده میشد بالغ بر سه عشر حقوق کنسول اول یعنی صد و پنجاه هزار فرانك بود. کنسول اول دارای

وظائف و اختیاراتی بود که اهم آنها از این قرار است :

- ۱- کنسول اول قوانین مصوب مجالس مقننه را ابلاغ نموده و بموقع اجرا میگذاشت .
- ۲- عزل و نصب اعضای شورای دولتی و وزراء و سفرای کبار و نمایندگان دیگر فرانسه در خارجه و افسران نیروی زمینی و دریایی و رؤسای ادارات و کمیسرهای دولتی نزد محاکم با کنسول اول بود .
- ۳- کنسول اول اعضای دادگاه های حقوقی و جنائی را باستثنای مستشاران دیوان کشور و امنای صلح تعیین میکرد ولی او حق عزل هیچیک از قضات را نداشت .
- ۴- کنسول اول لوایح قانونی برای شور و تصویب به مجلس تریبونا پیشنهاد میکرد و از نظر تسهیل اجرای قوانین مصوب نظامنامه تنظیم مینمود بدون اینکه اجرای آن قوانین را توقیف یا تعویق نماید .
- ۵- کنسول اول با ممالک بیگانه روابط سیاسی برقرار نموده و قرارداد های متار که جنگ و صلح و اتحاد نظامی و پیمانهای بیطرفی و اقامت و بازرگانی و غیره را منعقد میساخت و اما قرار دادهای صلح و اتحاد نظامی و همچنین اعلان جنگ مستلزم موافقت مجالس مقننه بود و کنسول اول میتواندست از مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری تقاضا کند که بحث و اتخاذ تصمیم در باره قرار دادهای اخیر الذکرو همچنین اعلان جنگ بجای جلسه علنی در جلسه محرمانه انجام یابد . بموجب ماده ۵۱ قانون اساسی مورد بحث مواد سری هیچ قرار دادی مبطل مواد آشکار آن نبود .
- ۶- تامین امنیت داخلی و دفاع از سرحدات فرانسه بعهد کنسول اول بود .
- ۷- کنسول اول نیروی زمینی و دریایی را اداره میکرد .
- ۸- کنسول اول مجاز بود بدون انجام تشریفات قانونی دستور بازداشت اشخاصی را که از نظر توطئه بر علیه دولت مورد سوء ظن بودند صادر نماید بشرط اینکه در

رف مدت ده روز از تاریخ بازداشت، متهمین بمقامات صلاحیت دار قضائی تسلیم شوند .
 ۹- ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مصوب مجلسین با کنسول اول بود .
 قانوناً هیچیک از اقدامات و عملیات کنسول اول بدون امضاء یکی از وزراء
 بجا اجرا نبود (ماده ۵۵ قانون اساسی) .

شورای دولتی که دارای چهل نفر عضو بود بنا به پیشنهاد کنسول اول لوایح
 نوئی تهیه مینمود که در صورت موافقت کنسول اول برای شور و تصویب به مجلس
 بیونا فرستاده میشد .

مبحث ششم

تشکیرات قضائی

هر بخشی دارای يك یا چند امین صلح بود . امنای صلح را ساکنین بخش
 رای مدت سه سال انتخاب میکردند . وظیفه امنای صلح این بود که اصحاب دعوی
 سازش دهند و در صورت عدم حصول سازش به طرفین دعوی توصیه میکردند که
 خلاف حاصله فیما بین را بوسیله داوران حل و فصل نمایند .

برای رسیدگی بدعاوی حقوقی محاکم بدایت (۱) و محاکم استیناف (۲)
 اثر بود . سازمان و حوزه محاکم مزبور و حدود صلاحیت آنها در قانون اساسی معین
 نگردیده موكول به تصویب يك قانون متعارفی شده بود .

در موارد جرائمی که مستلزم مجازات بدنی یا شرم آور (۳) بود هیئت منصفه
 سوی (۴) دعوی را رد یا قبول میکرد .

در صورت پذیرفتن دعوی از طرف هیئت بدوی هیئت منصفه دیگری در دادگاه
 قضائی به پرونده امر رسیدگی کرده متهم را مقصر یا بی گناه می شناخت سپس قضات

۱- Tribunal de première instance

۲- peine infamante

۳- Tribunal d'appel

۴- jury d'accusation

دادگاه جنائی باستناد مواد مربوطه قانون جزا حکم محکومیت یا برائت ویرا صادر
مینمودند. حکم دادگاه جنائی قابل استیناف نبود و طرفین دعوی فقط حق داشتند
احکام مخالف قانون استدعای تمیز نمایند.

جرائمی که مستلزم مجازات بدنی و شرم آور نبود در محاکم جنحه رسیدگی
میشد. احکام محاکم مزبور را دادگاههای جنائی استینافاً رسیدگی میکردند.

در رأس تشکیلات قضائی فرانسه دادگاه تمیز قرار گرفته بود. مستشاران
دادگاه تمیز و همچنین کمیسرهای دولتی نزد دادگاه مزبور از بین اشخاصی تعیین
میشدند که جزء لیست ملی بودند. قضات محاکم بدایت و استیناف و دادگاه جنحه
جنحه و جنائی و کمیسرهای دولتی نزد محاکم اخیرالذکر از بین اشخاصی انتخاب
میشدند که جزء لیستهای بخش یا شهرستان بودند. تمام قضات بجز امنای صلح ماد
العمر انتخاب میشدند و همانطوریکه در بالا اشاره شد مدت ماموریت امنای صلح
سال بود.

سناورها نمایندگان مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری و اعضای شوراه
دولتی مسئول عملیات و اقدامات مربوطه بوظائف خود نبودند ولی چنانچه اعضای
مجالس مزبور مرتکب جرائمی میشدند که مشمول مجازات بدنی یا شرم آور بود
جلب موافقت مجلس مربوطه در دادگاههای عمومی محاکمه میشدند. قرار تعقیب
وزراء را که مرتکب جرائم مزبور میشدند شورای دولتی صادر و محاکم عمومی آن
را محاکمه میکردند. وزراء در موارد ذیل مسئول بودند:

۱- برای هر اقدام دولتی که مجلس سنا آنرا خلاف قانون اساسی اعتراف
مینمود.

۲- برای عدم اجرای قوانین و نظامنامه ها.

۳- برای دستوراتی که برخلاف قانون اساسی و قوانین متعارفی و نظامنامه
صادر میکردند.

در هر يك از موارد مذکور در فوق مجلس تریبونا نظر خود را راجع

قیب وزیر مورد اتهام باستحضار هیئت قانونگذاری میرسانید و هیئت نامبرده
 بی از احضار متهم و استماع دفاع او ویرا بی گناه اعلام یا او را تسلیم دادگاه
 عالی مینمود .

دیوان عالی مرکب بود از چند نفر مستشار دادگاه تمیز بانتخاب آن دادگاه و
 هیئت منصفه که اعضای آن از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند انتخاب میشدند .
 راتعقیب قضات را که در حین انجام وظیفه مرتکب جرائمی میشدند دادگاه تمیز
 مادر و محاکم عمومی آنها را محاکمه میکردند .

مبحث هفتم

مقررات کلی

فصل هفتم (مواد ۷۶ الی ۹۵) قانون اساسی ۱۲۹۹ دارای پاره مقررات کلی
 بود که اهم آنها از این فرار است .

خانه هر کسی که در خاک فرانسه اقامت دارد يك پناهگاه غیر قابل تجاوز
 شناخته میشود و هیچکس نمیتواند بدون اجازه ساکنین وارد خانه‌ای بشود مگر در
 ورد حریق یا طغیان آب (ماده ۷۶) .

قرار توقیف اشخاص باید متضمن نکات ذیل باشد :

۱- دلایل توقیف و تصریح مواد قانونی که باستناد آن قرار بازداشت صادر

نده است .

۲- صدور قرار توقیف از طرف مقام صلاحیتدار .

۳- ابلاغ قرار توقیف و تسلیم رونوشت آن به بازداشت شده (ماده ۷۷) .

ماده ۷۸ و چند ماده دیگر رؤسای بازداشتگاهها را ملزم مینمود که بدون
 حکم کتبی مقام صلاحیتدار هیچ يك از محبوسین را در توقیفگاه نپذیرند و به محبوسین
 اجازه ملاقات با اقوام و دوستان خود بدهند مگر در مواردیکه قاضی چنین ملاقاتی
 را ممنوع کرده باشد . عدم رعایت مقررات مزبور جرم تلقی شده و مرتکبین مورد

تعقیب جزائی قرار می‌گرفتند. شدت عمل و سختگیری هنگام دستگیری و بازداشت در توقیفگاه بجز آنچه که قانون اجازه میداد جرم شناخته میشد.

مطابق ماده ۸۳ هر فردی از افراد حق داشت شکایات خود را به مقامات رسمی و خاصه مجلس تریبونال ارسال دارد. تسلیم عرایض بطور دسته‌جمعی به مجلس مزبور و سایر مقامات دولتی ممنوع بود.

جرایم نظامی در محاکم مخصوص و طبق آئین داد رسی خاصی رسیدگی میشد (ماده ۸۵).

به کلیه نظامیانیکه ضمن دفاع از وطن مجروح شده بودند و همچنین به زخم و اطفال افسران و سربازانیکه در میدان جنگ یا بر اثر جراحات وارده در جنگ فوت کرده بودند مستمری داده میشد (ماده ۸۶).

هنگام شورش مسلحانه یا آشوب و عصیانیکه امنیت کشور را تهدید میکرد دولت با اجازه قبلی مجالس مقننه میتواند در محل معینی و برای مدت محدودی قانون اساسی را معلق نماید و چنانچه مجالس در حال تعطیل بودند دولت مجاز بود مبادرت با اقدام مزبور بکند منتهی مجالس بایستی بدون فوت وقت منعقد گردند اقدام دولت را تأیید باید نمایند (ماده ۹۲).

ماده ۹۳ قانون اساسی مورد بحث اعلام میکرد به فرانسیویانیکه بعد از ۱۷۸۹ [تاریخ اشغال دژ معروف باستیل (۱) بدست انقلابیون پاریس] خاک فرانسه را ترك کرده و مورد عفو قانونی واقع نگردیده بودند اجازه بازگشت به فرانسه داده نخواهد شد. بموجب همین ماده اموال مهاجرین بطور قطع بنفع دولت ضبط میشد.

ماده ۹۵ دولت را موظف میکرد که قانون اساسی را به تصویب رساند. فرانسه برساند.

فصل ششم

قانون اساسی سال دهم جمهوری (۱۸۰۲)

مبحث اول

طرد مخالفین دولت از مجالس و انتخاب ناپلئون

بسمت گنرول دادام المور

عناصر تندرو فرانسه (ژاکوبین) از شخص ناپلئون و وسائل حکومتی وی و قانون اساسی سال هشتم جمهوری رضایت نداشتند و درخواست می‌کردند قانون اساسی مزبور که برخلاف فصل سیزدهم (مواد ۳۳۶ الی ۳۵۰) قانون اساسی سال سوم جمهوری وضع و در رفراندوم مردم تحمیل شده بود منسوخ گردیده قانون اساسی سابق بموقع اجرا گذاشته شود و اما برخلاف آنچه که عناصر افراطی درخواست می‌کردند ناپلئون و اطرافیان او معتقد بودند که باید تغییراتی در قانون اساسی مورخ ۱۷۹۹ بعمل آید تا دولت بتواند با قدرت و توانائی بیشتری با عناصر تندرو مبارزه کرده ملت فرانسه را از شر آنها رهایی بخشد.

در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۰ ناپلئون مورد سوء قصد واقع گردید. موضوع سوء قصد به ناپلئون در شورای دولتی مطرح و شورای مزبور باستناد اینکه قانون اساسی حافظ و حامی راهزنان نیست تصمیم گرفت از مجلس سناسئوال کند آیا تبعید تروریست‌ها وسیله مؤثری برای حفظ و حراست قانون اساسی میباشد یا نه؟ مجلس سنا باین سؤال شورای دولتی جواب مثبت داد که در نتیجه صد وسی نفر از عناصر انقلابی بازداشت و به مستعمره گیان (۱) واقع در امریکای جنوبی تبعید شدند. و اما تبعید عده کثیری تروریست بامریکای جنوبی برای ناپلئون کافی نبود بلکه او مصمم بود که اقدامات جدی تری جهت از بین بردن مخالفین خود و تثبیت حکومت خویش بعمل آورد. ناپلئون در